



## ماهیت، خصوصیت و جایگاه

# دیوان داورى دعاوى ایران و ایالات متحده

### بخش اول

#### دکتر محمدحسن بردبار

احتمال دارد حقوقدانان کشورهای مختلف با نظام‌های حقوقی و اقتصادی گوناگون، با دیدهای متفاوت به موضوع بنگرند. در نوشته حاضر، در رابطه با سابقه دیوان داورى، ابتدا علل و اهداف انعقاد بیانیه‌های الجزایر تشریح شده و سپس شکل و ماهیت آنها مورد بررسی قرار گرفته و در انتها نگاهی اجمالی به مقررات بیانیه‌ها شده است. در چهارچوب موضوع ساختمان دیوان و مقررات آیین داورى آن، علت و چگونگی انتخاب قواعد داورى آنسیترال و اصلاح برخی از مواد آن، مورد بحث قرار گرفته است. ماهیت و خصوصیت دیوان داورى، آخرین عناوین این نوشته است که در آنها به نکات نسبتاً مهم و روشن‌نشده‌ای پیرامون دیوان اشارت رفته است. ضمن ذکر نظریات مختلفی که در مورد ماهیت و خصوصیت دیوان اظهار شده، این موضوع که دیوان یک مرجع چندصلاحیتی و دارای ماهیت و خصوصیت مرکب و پیوندی است نیز مورد بحث قرار گرفته است.

#### الف. سابقه دیوان داورى

(۱) دیوان داورى دعاوى ایران- ایالات

جنبه‌های مختلف این داورى انتشار نیافته است. نوشته حاضر که حاصل تجربه کار با دیوان، مطالعات شخصی و یادداشتهای تهیه شده در سالهای گذشته است، تلاش خواهد کرد سیمای نسبتاً روشنی از دیوان داورى دعاوى ایران و ایالات متحده ترسیم کند. با آرزوی اینکه قابلیت استفاده برای حقوقدانان، اساتید و دانشجویان محترم رشته‌هایی نظیر حقوق، سیاسی، اقتصاد و روابط بین‌الملل را داشته باشد.

دیوان داورى به عنوان یک مرجع چند صلاحیتی، پدیده‌ای جدید و بی‌نظیر در تاریخ داوریهای بین‌المللی به شمار می‌آید. تا به حال هیچ دیوان داورى بین‌المللی که بتوان دیوان داورى دعاوى ایران- ایالات متحده را در همه جنبه‌های شکلی و ماهوی با آن مقایسه و مطابقت نمود به وجود نیامده است. با وجود کوششی که در نوشته حاضر برای تشریح سابقه، ماهیت، خصوصیت و برخی جنبه‌های خاص دیوان به عمل آمده، به دلایل گوناگون، از جمله تازگی، اهمیت و پیچیدگی بسیاری از مسائل مطروحه در دیوان، جا برای مطالعات بیشتر و گسترده‌تر درخصوص دیوان داورى، توسط حقوقدانان ایرانی و غیرایرانی وجود دارد؛ بخصوص که

#### مقدمه

نگاهی گذرا به نوشته‌های پراکنده منتشره در کتب و مجلات حقوقی بین‌المللی کشورهای مختلف در خصوص بیانیه‌های الجزایر و دیوان داورى دعاوى ایران و ایالات متحده و مسائلی که در آنها مورد بحث قرار گرفته است، آشکارکننده این واقعیت است که به‌رغم گذشت بیش از ده سال از انعقاد بیانیه‌های الجزایر و تشکیل دیوان داورى هنوز آن‌طور که شایسته است از ماهیت و خصوصیت دیوان داورى دعاوى ایران و ایالات متحده سخن به میان نیامده است و حقوقدانان بسیاری در ایران و ایالات متحده و به طریق اولی در سایر کشورها، اطلاع و شناخت دقیقی از این دیوان و موضع و جایگاه آن بین داورى‌ها و دیوانهای بین‌المللی معاصر ندارند. در ایالات متحده، تا به حال کمتر کسی به طور جامع و کامل همه ابعاد دیوان، از جمله سابقه، ماهیت و ویژگیهای خاص و گوناگون آن را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. در ایران نیز، جز آنچه با تلاش دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در مجله حقوقی منتشر شده، مطالب چندانی پیرامون ابعاد و

متحده («دیوان داوری»)، بر بنیاد بیانیتهای الجزایر، مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ (۱۹ ژانویه ۱۹۸۱) و عمدتاً به منظور تصمیم‌گیری و حل و فصل دعاوی اتباع هریک از دو کشور ایران و ایالات متحده علیه دولت طرف دیگر و همچنین حل و فصل دعاوی رسمی دولتی علیه یکدیگر به وجود آمد و از همان ابتدا قواعد داوری آنسیرال، با کمی جرح و تعدیل، به عنوان مقررات آیین داوری دیوان انتخاب گردید.

هریک از دلایل و عوامل اصلی تأسیس دیوان داوری و نیز مقررات آیین داوری انتخاب شده برای آن، در شکل‌گیری و تعیین ماهیت و خصوصیت دیوان نقش مهم و اساسی داشته و بر آنها تأثیر گذاشته‌اند. به همین دلیل برای دست‌یابی به شناختی جامع و صحیح از دیوان داوری به نظر می‌رسد که در بدو امر، نگاهی به سابقه تدوین و اهداف بیانیتهای الجزایر و برخی مواد مرتبط با موضوع و همچنین بررسی ساختمان و قواعد داوری حاکم بر دیوان داوری ضروری باشد. از این رو موضوع را با بحث پیرامون بیانیتهای الجزایر آغاز می‌کنیم.

## ۱) بیانیتهای الجزایر؛ اسناد اساسی تأسیس دیوان داوری

### الف- اهداف بیانیتهای

۱) پایان دادن به بحران سیاسی ایجادشده بین ایران و ایالات متحده امریکا  
۲) دولتی ایران و ایالات متحده در تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۵۹ برابر با ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ با امضای موافقتنامه الجزایر تقریباً نقطه پایانی بر بحران شدید سیاسی میان دو کشور گذاشتند. بحران مذکور ظاهراً ناشی از دستگیری ۵۲ نفر از دیپلماتهای امریکایی در تهران بود، ولی در واقع در همکاری نزدیک و اشتنگتن با رژیم شاه<sup>(۱)</sup> و حمایت از حکومت وحشت و سرکوب وی که از سال ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) علیه ملت ایران آغاز شده بود، ریشه داشت<sup>(۲)</sup>. طبق نظر امریکاییها گروگان گرفتن دیپلماتهای امریکایی توسط ایرانیه، نقطه آغاز بحران در روابط ایران و ایالات متحده به شمار می‌آید<sup>(۳)</sup>. برای اینکه گروگانگیری عملی نامشروع و غیرقانونی است<sup>(۴)</sup>، وقرنهاست که جامعه بین‌المللی متفقاً، اصل اساسی و بنیادین مصونیت سیاسی<sup>(۵)</sup> را پذیرفته است. همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری هم در نظریه

مورخ ۲۴ می ۱۹۸۰ خود متذکر شده است، دولت فرستنده هیأت سیاسی به کشور دیگر حق دارد از کشور میزبان انتظار داشته باشد -یا از آن کشور درخواست کند- که مصونیت اعضای هیأت سیاسی از تعقیب و بازداشت را تضمین نماید و از محل کار هیأت (یعنی سفارتخانه) در برابر هرگونه تجاوز و تعدی حفاظت به عمل آورد. این قواعد اساسی، صرف‌نظر از اینکه صدها سال است به عنوان موضوع حقوق بین‌الملل عرفی شناخته شده‌اند، در اوایل دهه ۱۹۶۰ نیز به شکل دو کنوانسیون چندجانبه، یعنی کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک<sup>(۶)</sup> و کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در خصوص روابط کنسولی<sup>(۷)</sup>، مدون گردیده و شکل قانونی یافتند. ایران و ایالات متحده امریکا، هر دو اعضای این دو کنوانسیون هستند<sup>(۸)</sup>. در هر حال، «بدون توجه به هر واقعت دیگر، اصولاً طبق تمامی نظریه‌های حقوق بین‌الملل کشتن دیپلماتها و یا به گروگان گرفتن آنان، همواره عملی نامشروع و غیرقانونی بوده است»<sup>(۹)</sup>.

۳) اما مطابق نظر ایرانیها، تسخیر سفارت امریکا و به گروگان گرفتن کارمندان آن فعلی نبود تا بتوان آن را علت و سبب ایجاد بحران تلقی کرد، بلکه آن ماجرا «عکس‌العملی» بود که مردم ایران در مقابل مداخله طولانی و درازمدت دولت امریکا در امور داخلی ایران که در جنای خود عملی غیرقانونی و نامشروع است، از خود نشان دادند. «مسأله گروگانهای سفارت امریکا در تهران... فقط یک جنبه فرعی و ثانوی از مجموعه‌ای کلی را نشان می‌دهد؛ جنبه‌ای که بررسی آن به طور جداگانه امکان‌پذیر نیست، چرا که از جمله ارتباط پیدا می‌کند با متجاوز از ۲۵ سال مداخله مستمر ایالات متحده در امور داخلی ایران. استثمار بی‌شرمانه کشور و ارتکاب جنایات بی‌شمار علیه مردم ایران برخلاف و معارض با تمامی معیارهای بین‌المللی و انسانی<sup>(۱۰)</sup>. حقوقدانان ایرانی استدلال می‌کنند که شدت و تکرار نقض حقوق بین‌الملل توسط امریکا، شامل اقدامات آن کشور در تدارک کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹ اوت ۱۹۵۳)<sup>(۱۱)</sup>، تحمیل اجباری شاه و حمایت از وی<sup>(۱۲)</sup> و حکومت وحشتناک او علیه مردم ایران<sup>(۱۳)</sup>، مانع از این می‌شود که دولت ایالات متحده امریکا بتواند به دستگیری اعضای سفارت امریکا در تهران اعتراض کند<sup>(۱۴)</sup>. بعلاوه «حقوق بین‌الملل به دولتها اجازه می‌دهد که

**دیوان داوری به عنوان یک مرجع چند صلاحیتی، پدیده‌ای جدید و بی نظیر در تاریخ داوریهای بین‌المللی به شمار می‌آید.**

**قرنهاست که جامعه بین‌المللی متفقاً، اصل اساسی و بنیادین مصونیت سیاسی را پذیرفته است.**

**بدون توجه به هر واقعت دیگر، اصولاً طبق تمامی نظریه‌های حقوق بین‌الملل کشتن دیپلماتها و یا به گروگان گرفتن آنان، همواره عملی نامشروع و غیرقانونی بوده است.**

**حقوق بین‌الملل به دولتها اجازه می‌دهد که خارجی‌ها را برای مقاصد مشخص و معینی، نظیر رسیدگی و مجازات مرتکبین جرائم جاسوسی دستگیر نمایند؛ اگرچه دستگیرشدگان از کارکنان سفارت باشند.**

**پرسنل سیاسی و کنسولی ایالات متحده در صورتی که خارج از وظایف رسمی خود در فعالیت‌های جاسوسی شرکت داشته و در امور داخلی ایران مداخله نموده باشند، مصون از تسلیف جنایی نخواهند بود.**

Crisis and the U.S. Rescue Attempt, Va. J. Int'l Law, Vol. 21, 1981, pp. 506-507; Gordon, Edward and Lichtenstein, C., Trends: The Decision to Block Iranian Assets-Reexamined, The Int'l Law, 1982, pp. 161-163; Hoffman, John E. Jr., The Iranian Assets Litigation, Private Investors Abroad, Problems and Solutions in International Business in 1980, Matthew Bender, 1980, pp. 334-335; and Terry, Major James P. USMC, The Iranian Hostages Crisis, Op. Cit. Note. 2, pp. 42-47.

۲. برای اطلاع از جزئیات نظر دولت آمریکا در این خصوص، رجوع کنید به موضع دولت مذکور در پرونده مربوط به کارکنان سیاسی و کنسولی ایالات متحده در تهران.

U.S.V. Iran, ICJ, 24 May 1980, ILM, Vol. XIX, No. 3, May 1980, p. 553.

5. The Principle of diplomatic immunity.

6. The 1961 Vienna Convention of Diplomatic Relations. (1972) 23 U.S.T. 327, T.I.A.S. No. 7502.

7. The 1963 Vienna Convention on Diplomatic Relations. (1969) 21 U.S.T. 77, T.I.A.S. No. 682.

۸. نگاه کنید به:

مقاله مشاور حقوقی وزارت خارجه آمریکا

Owen, Roberts B.

The Blocking of Iranian Assets- Some Legal Implications in the United States and Abroad, Private Investors Abroad- Problems and Solutions in International Business in 1980, Matthew Bender, Caffif, 1980, p. 368 همچنین

Budros, Barbara D., The Former American Hostages' Human Rights Claims Against Iran, Can They be Waived?, Hous. J. Int'l L., Vol. 4, No. 1, Autumn 1981, p. 101, at Note 1; Joel, Richard Paul, International Adjudication: Embassy Seizure- United States v. Iran. (1979) I.C.J.; Harv. Int'l L. J., Vol. 21, 1980, p. 268; Papachristou, Alexander, International Adjudication: Embassy Seizure United States v. Iran, (1980) I.C.J. 3., Harv. Int'l L. J., Vol. 21, p. 748.

9. Crzybowski K., The Regime of Diplomacy and the Tehran Hostages, Op. Cit. Note 3, p. 58.

نویسنده دیگری ضمن اینکه سعی می کند تسخیر سفارت آمریکا در تهران را داخل در معنای ماده ۵۲ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات و ماده ۲ (۲) منشور سازمان ملل قرار دهد، می نویسد: تسخیر سفارت به نظر می رسد نوعی تهدید یا استفاده از زور باشد، اگرچه به احتمال قوی به سطح تجاوز نمی رسد. نگاه کنید به:

Redwine, James M., The Effect of Duress on the Iranian Hostage Settlement Agreement,

## پانویس ها:

1. Ramazani R.K., Iran's Revolution: Patterns, Problems and Prospects, International Affairs, Published for Royal Institute of International Affairs, Vol. 56, 1980, p. 445.

۲. سرگرد امریکایی، جیمز نری، از جمله کسانی است که طی مقاله ای تأیید می کند که سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) در سال ۱۹۵۷ به کمک شاه شتافت تا سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) را که تحت نظارت مستقیم شاه اداره و خیلی زود تبدیل به نیرویی پر قدرت و وحشی برای اداره امور کشور گردیده، تأسیس نماید. نگاه کنید به:

Major Terry, James P. USMC, The Iranian Hostages Crisis; Int'l law & United States Policy, The JAG J., Judge Advocate General, Department of the Navy, Vol. 22, summer 1982, p. 34.

در این راستا، فرد هالیدی نیز می نویسد: «ساواک محصول اختناق و سرکوب بعد از سال ۱۹۵۳ و نقش بعدی آمریکا در آن بوده. بستن گرید به ایران، دیکتاتوری و توسعه، ص ۷۸ (متن انگلیسی). برای مطالعه در مورد جزئیات ساواک و عملیات آن، همچنین رجوع کنید به:

Hearings, Human Rights in Iran, before Hous Subcomm. on Int'l Organizations, 96 the Cong., 2d seas. at 7-8, 14-16, 37-52, and 70-83 of committee Print (1973).

۳. در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ برابر با ۲ نوامبر ۱۹۷۹ عده ای از نظامرکنندگان، شامل دانشجویان پیرو خط امام، وارد محوطه سفارت آمریکا در تهران شدند و کارکنان آنجا را به گروگان گرفتند و بایگانی سفارت را تصرف نمودند. از جمله اولین خواسته های مطروحه توسط دانشجویان پیرو خط امام، بازگرداندن شاه به ایران و عدم مداخله دولت آمریکا در امور داخلی ایران بود. برای سوابق گروگانگیری و بحث های مربوطه از جمله رجوع کنید به:

Grzybowski, Kazimierz, The Regime of Diplomacy and the Tehran Hostages, Int'l & comp. L. Q. Vol. 30, British Institute of Int'l and Comparative Law, London, 1981, pp. 53-55; Piper, Gordon H., Executive Power Under the Hostage Act: New Life for an Old Law, Cornell Int'l L. J., Vol. 14, No. 1, Winter 1981, pp. 369-370; Anthea, Jeffery, The American Hostages in Tehran: The I.C.J. and the Legality of Rescue Missions, Int'l & Comp. L.Q., Vol. 30, 1981, 717; Roling, B. V. A., Aspects of the Case Concerning United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, Netherlands yearbook of Int'l Law, Vol. XI, 1980, pp. 125-130; Redwine, James M., The Effect of Duress on the Iranian Hostages Settlement agreement, Vand. J. Transnat'l L., Vol. 14, Fall 1981, pp. 856-859; D' Angelo, John R., The Iranian Hostage

خارجی ها را برای مقاصد مشخص و معینی نظیر رسیدگی و مجازات مرتکبین جرائم جاسوسی دستگیر نماید؛ اگرچه دستگیرشدگان از کارکنان سفارت باشند (۱۵).

طبق مقررات کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۶) و همچنین کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی (۱۷)، نمایندگان سیاسی و مأموران کنسولگری باید به قوانین داخلی کشور محل مأموریت خود احترام بگذارند، در امور داخلی و محلی کشور میزبان مداخله ننمایند، از هیأت سیاسی برای مقاصدی مغایر با حقوق بین الملل و از محل کنسولی برای مقاصد غیر از وظایف رسمی خود استفاده نکنند. بنابراین چنان که یک نویسنده امریکایی نیز تأیید می کند، «پرسنل سیاسی و کنسولی ایالات متحده در صورتی که خارج از وظایف رسمی خود در فعالیتهای جاسوسی شرکت داشته و در امور داخلی ایران مداخله نموده باشند (۱۸)، مصون از توقیف جنائی نخواهند بود» (۱۹) و (۲۰).

۴) اگر استدلالهای هر دو طرف را بپذیریم و فرض کنیم که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و همکاری و همراهی دولت ایالات متحده با حکومت شاه از همان سال به بعد، نقض حقوق بین الملل به ترتیب مقرر در منشور سازمان ملل (۲۱) و دستگیری کارکنان سفارت آمریکا نقض کنوانسیونهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین (۲۲) باشند، باز این واقعیت را نمی توان تکذیب کرد که گرفتن سفارت در حقیقت «عکس العمل» ایران به «اعمال» مرتکبه از سوی ایالات متحده بود و از جمله اهداف آن «ممانعت از یک کودتای دیگر علیه دولت مردمی برای استقرار مجدد شاه» (۲۳) به شمار می رفت.

سبب و علت بحران هرچه بود، به هر حال بیانیه های الجزایر باعث منحوی یا کم رنگ شدن بحران در روابط دو کشور شد. ۵۲ کارمند سفارت آمریکا بدون محاکمه آزاد شدند و دولت ایالات متحده هم تعهد کرد که «به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سیاسی و یا نظامی، در امور داخلی ایران مداخله ننماید» (۲۴) و دارایی های خانواده شاه سابق را به ایران بازگرداند (۲۵) و (۲۶). دولت آمریکا همچنین تعهد نمود که دعای خود علیه ایران نزد دیوان بین المللی دادگستری را مسترد کند.



Relations, April 14, 1963, 21 U.S.T. 77, T.I.A.S. 6820, 596 U.N.T.S. 261.

۱۸. با اینکه بعد از انقلاب اسلامی، رابطه عادی سیاسی ایران با آمریکا حفظ شد، ولی سفارتخانه آن کشور در تهران به یک مرکز جاسوسی علیه نظام نوپای ایران و محلی برای مداخله در امور داخلی ایران تبدیل گردید. برای جزئیات بیشتر از جمله، به طور کلی نگاه کند به اسناد لانه جاسوسی، منتشره از سوی دانشجویان پیرو خط امام.

19. Paul, Joel Richard, *International Adjudication: Embassy Seizure*, Harv. Int'l L. J., Vol. 21, 1980, p. 274, at Note 40.

۲۰. البته وقتی سابقه طولانی و بسیار علنی مداخله آمریکا در امور داخلی ایران از طریق سفارتخانه و عکس العمل شدید آن کشور به دستگیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران از طریق حمله نظامی و تبلیغاتی، تحریم اقتصادی و غیره را کنار هم قرار می دهیم این نکته متبادر به ذهن می شود که جاسوسی و مداخله ممکن است در چهارچوب و جزء وظایف رسمی دیپلماتهای آمریکایی صورت گرفته باشد.

۲۱. ماده (۲) ۴، مداخله غیرقانونی در امور داخلی سایر کشورها.

۲۲. رجوع کنید به پانویس های شماره ۱۶ و ۱۷.

23. Boyle, Francis A. (comment), *Legal Responses to the Afghan/Iranian Crises*, American Society of International Law, Proceedings of the 74 Annual Meeting, Washington, 1981, p. and also, Boyle, Francis A., *the Iranian Hostage Crises*, *Revue de Droit International*, Geneve, p.11.

۲۴. بیانیه کلی، ماده ۱.

۲۵. همانجا، ماده ۴.

۲۶. بازگرداندن شاه به ایران از جمله خواسته های اصلی ایران برای آزادی گروگانها بود. با مرگ وی در ۲۷ جولای ۱۹۸۰ در مصر یک مانع عمده از سر راه حل مسأله گروگانها برداشته شد. این درخواست در بیانیه های الجزایر تبدیل به بازپس دادن دارایی های خانواده شاه به ایران توسط دولت آمریکا گردید.

in Tehran, op.cit., Note 2, p. 582.

۱۲. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و نصب دولتی عروسکی برای تحمیل خواسته های دولت آمریکا بر ملت ایران و از آن رهگذر، مداخله در امور داخلی ایران، نقض اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل به شمار می رود. اصل وعدم مداخله در امور داخلی کشورها اصل شناخته شده ای است که هم در حقوق بین الملل عمومی و هم در حقوق بین الملل عرفی پذیرفته گردیده است و مورد توجه خاص غالب حقوقدانان و سیاستمداران جهان سوم نیز می باشد. این اصل علاوه بر اینکه در بسیاری از کتب حقوق بین الملل مورد بحث و بررسی و تأیید قرار گرفته، در بسیاری از معاهدات دوجانبه و چندجانبه بین الدولی گنجانده شده و در منشور سازمانهای بین المللی و منطقه ای نیز منعکس گردیده است. نظر دیوان بین المللی دادگستری لاهه هم در رأی خود راجع به صلاحیت در پرونده وینکرا گوته علیه آمریکا، (ICJ R., 1984, para 73) p. 424، بر این است که اصل عدم مداخله، قسمتی از حقوق بین الملل عرفی را تشکیل می دهد.

۱۳. برای مطالعه در مورد حکومت شاه و عملیات ساواک در ایران، از جمله مراجعه کنید به:

Forbis, William H., *Fall of the Peacock Throne*, op. cit. Note 11, pp. 132- 138; Hearings, Human Rights in Iran, before House SubComm. On International Organizations, op. cit. Note 2, and De Camers: *The Shah as Tyrant, A Look at the Record*, *Washington Post*, March 23, 1980.

۱۴. به نقل از:

Tariq Al Mansour, (Dr. Khalid Abdullah), *Holmes and Warden, The Int'l Law and the Iranian-American Crisis, The Int'l Contract, Law & Finance Review, Seminar Services S.A. Publication, 1980, p. 329.*

در مقاله دکتر المنصور و دیگران ضمن اینکه موضوع صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری در مورد دعوی مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ ایالات متحده علیه ایران مورد بحث قرار گرفته، از جمله این سؤال هم مطرح شده است که اگر دو مورد نقض حقوق بین الملل وجود داشته باشد، یکی به وسیله آمریکا به خاطر سرنگونی دولت دکتر مصدق و استقرار و حمایت مستقیم حکومت وحشت شاه تا سال ۱۹۷۸، و دیگری در رابطه با به گروگان گرفتن دیپلماتهای آمریکایی، آیا ایالات متحده می تواند به صلاحیت دیوان برای استماع دعوی خود طبق کنوانسیون وین استناد کند و سپس از اصلاحیه کانلی (Connally Amendment) استفاده کرده صلاحیت دیوان برای استماع مطالبی که مربوط به عملیات و ارتباطات آن دولت با شاه بوده است را نپذیرد. همانجا ص ۳۲۲.

۱۵. همان مرجع، ص ۳۲۹.

16. *Vienna Convention on Diplomatic Relations*, April 15, 1961, 23 U.S.T. 3230, T.I.A.S. 7502, 500 U.N.T.S. 241.

17. *Vienna Convention on Consular*

op. cit. Note 4, p. 882.

۱۰. نامه مورخ ۱۶ مارس ۱۹۸۰ وزیر خارجه ایران خطاب به دیوان بین المللی دادگستری در رابطه با شکایت ایالات متحده علیه ایران، به نقل از حکم دیوان مذکور در پرونده مربوط به کارکنان سیاسی و کنسولی آمریکا در تهران، پانویس شماره ۲ پیشین، بند ۹.

۱۱. برای مطالعه بیشتر درباره نقش دولت آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که منجر به سرنگونی دولت وقت ایران گردید، علاوه بر منابع داخلی، به کتابهای خارجی نیز هم مراجعه کنید:

Roosevelt, Kermit, *Counter coup, The Struggle for the Control of Iran*, McGraw-Hill Paperbacks, USA, 1979, (Kermit Roosevelt was a prominent member of CIA and commander in chief of the 1953 coup operations); Eden, Sir Anthony: *The Eden Memoirs*, Cassell & Company Ltd, London, 1960, Vol. 2, pp. 193- 223; Pahlavi, Mohammad Reza, *Answer to History*, Stein and Day, New York, 1980, pp. 72- 92; Pahlavi, Ashraf, *Faces in a Mirror, Memoirs From Exile*, Prentice Hall, Inc., Englewood Cliffs, N.J., 1980, pp. XIV and 130- 147; Tully, Andrew, C.I.A., *The Inside Story*, William Morrow & Company, New York, 1962, pp. 88- 99; Wise, David & Ross, Thomas, *The Invisible Government*, Random House, New York, 1964, pp. 110- 115; Rositzke Harry, *C.I.A.'s Secret Operations*, Reader's Digest Press, 1977, pp. 188 & 195; Ambrose Stephen E., *IK's Spies, Eisenhower and The Espionage Establishment*, Double Day & Co., Inc. New York Copyright 1981, pp. 189- 214; Bryson, Thomas A: *American and The Middle East*, Thomas A. Bryson, U.S.A., 1977, pp. 154-159; Cottam, Richard W., *Nationalism in Iran*, University of Pittsburg Press, 1964, 1979, pp. 214- 336; Rubin, Barry, *the American Experience and Iran, Paved with Good Intentions*, Penguin Books, 1980, pp. 76- 90; Ledeen, Michael & Lewis, William, *The American Failure in Iran*, First Vintage Books, 1982, pp. 12-15 & 38-41; Lapping, Brian, *End of Empire*, Granada Publishing Limited, London, 1985, pp. 191- 225; forbis, William H., *Fall of The Peacock Throne*, Mac Grow- Hill Book Co., 1980, 1081, pp. 54- 62; Ramazani R. K., *The U.S. and Iran (The Pattera of Influence)*, Praeger Publishers, New York, 1982, pp. 8-20; and Hoveyda, Fereydoun, (trans. Rogerliddell), *The Fall of the Shah*, London, 1979, pp. 921 (which quoted by Judge Tarazi, in his Dissenting Opinion in Case Concerning United States Diplomatic and Consular Staff